

مقدمه

دوران کودکی بهترین زمان برای تربیت فرزندان و پایه‌گذاری زندگی سالم و سعادت‌مندانه آنان است؛ لذا این دوره از گذشته مورد توجه روان‌شناسان و صاحب‌نظران بوده است، به طوری که هر روز تحقیقاتی دامن‌دار و عمیق درباره روان‌شناسی کودک صورت می‌گیرد. انبوه نتایج علمی که امروزان بدان دست یافته‌اند، در سایه آزمایش‌های سالیان متمادی، استمداد از تجربیات گذشتگان و استفاده از فناوری‌های جدید تحقق یافته است؛ با این حال پیوسته طرح‌ها و نظریاتی جدید درباره تربیت، تغذیه، عادت‌ها و رفتارهای کودک به دست می‌آید که گاه به طور کامل، ناقص نظریات گذشته است، اما در چهارده قرن پیش که هیچ یک از این زمینه‌ها و امکانات پژوهشی وجود نداشت، از پیامبر اکرم – صلی الله علیه و آله و سلم – رفتارها و گفتارهایی در برخورد با کودکان مشاهده شد که محققان امروزی در ژرفای آن درمانده‌اند؛ به طوری که ره یافت‌های جدید علم روان‌شناسی بر همه آن‌ها مهر تأیید زده است.

در این نوشتار به بررسی رهنمودها و عملکردهای اخلاقی رسول خدا (ص) در ارتباط با تربیت صحیح خواهیم پرداخت. امید است که مورد توجه اولیا و مربیان گرامی قرار گیرد.

هم‌بازی شدن با کودکان

یکی از راه‌های پرورش شخصیت کودکان، شرکت بزرگسالان در بازی‌های آن‌هاست. هم‌بازی شدن با کودک روح و روانش را سرشار از مسرت و شادی می‌سازد و اعتماد به نفس و احساس خودارزشمندی را در وی تقویت می‌کند.

مطالعه در سیره عملی پیامبر اسلام (ص) نشان می‌دهد که آن بزرگوار توجهی خاص به هم‌بازی شدن با کودکان داشت.

آن حضرت (ص) می‌فرماید: «هر کس که کودکی دارد، باید در راه تربیت او خود را تا سر حد کودکی برساند و خویشتن را با دنیای او هماهنگ ساخته، رفتاری که در خور درک و فهم اوست، پیش گیرد.» (حرّ عاملی، ۱۴۰۳ ه. ق، ج ۱۵، ص ۲۰۳)

شاید تعجب آور باشد اگر بشنویم که این حدیث پایه تحقیقات چندین ساله «مارگارت دونالدسون» (پژوهشگر و روان‌شناس کودک) بوده است. به اعتقاد وی همه آن چه به پندار ما فراتر از قوه درک کودک است، در صورتی که به شیوه و زبان خود کودک بیان شود، از عهده درک آن برخوردار آمد.

(غلامی، ۱۳۸۱، ص ۹۸)

ورود به دنیای کودکان را از پیامبر اسلام (ص) بیاموزیم!

اسماعیل نساچی زواره

دبیر دبیرستان‌های منطقه زواره - اصفهان



بارها رخ می‌داد که رسول اکرم (ص) کودکان را بر پشت خود سوار می‌کرد و با آن‌ها هم سخن می‌شد. «جابر بن عبدالله می‌گوید: روزی نزد رسول خدا (ص) رفتم. دیدم که آن بزرگوار به زانو خم شده است و دو نوه‌اش امام حسن و امام حسین - علیهما السلام - را بر دوش گرفته، در اتاق بر روی دست و پا راه می‌رود و می‌فرماید: وسیله سواری شما خوب مرکبی است و البته شما هم خوب سوارانی هستید.» (مجلسی، ۱۴۰۴ ه. ق، ج ۴۳، ص ۲۸۵)

راز هم بازی شدن نبی مکرم اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - با کودکان این بود که ایشان معتقد بودند بچه‌های خردسال مفهوم زندگی و زنده بودن را به بازی می‌شناسند؛ لذا همیشه می‌فرمود: «بگذار فرزندت تا هفت سال بازی کند.» (کلینی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۹۴) این سفارش حکایت از آن دارد که پیامبر (ص) بازی را نوعی ابزار سرگرمی و اتلاف عمر نمی‌دانست. هفت سال اول زندگی، دوره شناخت جهان پیرامون خود است؛ کودکان در این دوره با پدیده‌های اطراف خود بازی می‌کنند و یاد می‌گیرند که چگونه با این پدیده‌ها برخورد کنند. در همین دوره است که در بی‌بازی، حس بینایی و لامسه آن‌ها بهتر به کار گرفته می‌شود؛ ذهنشان قدرت ابتکار و روحشان اعتماد به نفس می‌یابد. هم بازی شدن با کودک، علاوه بر این که او را غرق در لذت و شادی می‌کند، بسیاری از اصول اخلاقی را نیز به طور مستقیم و غیرمستقیم به وی می‌آموزد. بنابراین والدین باید خود را تا سر حد طفولیت پایین آورده، هم سطح کودک شوند تا بتوانند شخصیت فرزند خویش را به روش صحیح پرورش دهند. (سادات، ۱۳۷۳، ص ۵۳)

لزوم رعایت محبت

برای ایجاد ارتباطی عمیق و ریشه‌دار، نخست باید توجه کودک را به خود جلب کرد؛ به گونه‌ای که برای او این اطمینان قلبی حاصل شود که او امر، نواهی، پندها و موعظه‌های پدر و مادر از سرخیزخواهی است. حصول چنین هدفی با محبت امکان‌پذیر است. نبی مکرم اسلام (ص) می‌فرمود: «کودکان را دوست بدارید و نسبت به آن‌ها مهربان باشید.» (حرّ عاملی، ۱۴۰۳ ه. ق، ج ۵، ص ۱۲۶)

روش آن حضرت در خانواده این گونه بود که هر روز صبح، دست محبت بر سر فرزندان خود می‌کشید. (مجلسی، ۱۴۰۴ ه. ق، ج ۲۳، ص ۱۱۴)

رسول خدا (ص) در سیره تربیتی خویش خاطر نشان کرده است همان طوری که کودک به آب، غذا و هوا احتیاج دارد، به محبت و نوازش هم محتاج است. وی کودکان را می‌بوسید، در آغوش می‌گرفت و نوازش می‌کرد.

نقل شده است که روزی مردی نزد پیامبر خدا (ص) آمد و گفت: من ده فرزند دارم که تاکنون هیچ یک از آن‌ها را نبوسیده‌ام. همین که او از نزد رسول خدا (ص) دور شد، آن حضرت (ص) فرمود: این مرد از نظر من از دوزخیان است. (حرّ عاملی، ۱۴۰۳ ه. ق، ج ۱۵، ص ۲۰۲)

البته آن حضرت در سیره تربیتی خود والدین را از زیاده‌روی در محبت و نوازش نهی می‌کند؛ زیرا معتقد است طفلی که در حد متعادل از مهر و محبت پدر و مادر بهره‌برد و از چشمه گوارای محبت سیراب شود، روحی شاد و روانی با نشاط دارد؛ بنابراین در باطن خود احساس محرومیت نمی‌کند و گرفتار عقده‌های درونی نیست. در درون چنین کودکی گل‌های فضایل اخلاقی به آسانی شکفته می‌شود و اگر در زندگی با موانعی مواجه نگردد، بشری با فضیلت، انسان دوست و خدمتگزار خواهد شد.

راز هم بازی شدن نبی مکرم اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - با کودکان این بود که ایشان معتقد بودند بچه‌های خردسال مفهوم زندگی و زنده بودن را به بازی می‌شناسند؛ لذا همیشه می‌فرمود: «بگذار فرزندت تا هفت سال بازی کند.»



انتظارش هیچ کس به وی محبت نمی‌کند؛ بنابراین ناراحت می‌شود؛ در خود احساس حقارت می‌کند و زندگی را به تلخی و همراه با رنج‌های درونی سپری می‌کند. (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۶، ص ۱۷) کودکانی که در زندگی از محبت متعادل پدر و مادر برخوردار باشند، آنان را امین و مورد اعتماد خویش قرار می‌دهند و مسایل و مشکلات زندگی خود را با والدین در میان گذارده، با راهنمایی‌های ایشان پا به عرصهٔ جامعه می‌نهند.

دفاع از حریم آزادی

پیامبر - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - به لزوم آزادی کودک در سال‌های اولیهٔ زندگی‌اش اشاره کرده است و این که باید او را در جنبش‌های کودکانه‌اش آزاد گذاشت. آن حضرت حتی در حساس‌ترین لحظات و عالی‌ترین فرصت‌های

بعضی از والدین در ابراز محبت افراط می‌کنند. کودک را زیاد در آغوش می‌گیرند، او را می‌بوسند و اگر پیشامدی برای طفل به وقوع بپیوندد، اظهار ناراحتی و تأثر می‌نمایند؛ به او تملق می‌گویند؛ عضو حادثه دیدهٔ او را با دست نوازش می‌کنند و گاهی برای راضی کردن کودک زمین یا دیوار را کتک می‌زنند. طفل در مقابل آن همه محبت و نوازش عکس العمل نشان می‌دهد، آه و زاری می‌کند، اشک می‌ریزد و خود را در مقابل آن پیشامد طلبکار و مستحق نوازش می‌پندارد.

محبت‌های بی‌مورد پدر و مادر رفته رفته خوی خودپسندی را در نهاد کودک ریشه‌دار می‌کند و طفل لوس بار می‌آید و در هر پیشامد کوچکی توقع ناز کشیدن و نوازش کردن دارد.

کودک با این توقع غلط بزرگ می‌شود؛ دوران طفولیت را پشت سر می‌گذارد؛ در جامعه صدمات بزرگی می‌بیند و بر خلاف

زندگی در برابر آزادی اطفال خردسال از خود عکس العمل جدی و بازتابی که بازدارنده آزادی بود، از خود نشان نمی داد. آن حضرت در حدیثی می فرماید: «شیطنت و بازیگوشی کودک در دوران خردسالی نشانه فزونی عقل و اندیشه او در بزرگسالی است». (مجلسی، ۱۴۰۴ ه. ق، ج ۱۴، ص ۳۷۸) هم چنین می فرماید: «چه خوب است که فرزند انسان در خردسالی بازیگوش، پر تلاطم و سرکش باشد تا در بزرگسالی فردی بردبار و چاره اندیش شود.» (همان منبع، ص ۳۷۹) از تعالیم نبوی چنین بر می آید که وجود شیطنت و بازیگوشی و حالت فعال و پر جنب و جوش در کودک ناشی از سلامت جسمی، روانی و ذهنی اوست و چنین کارهایی، به ویژه در پسران که از تحرک بیش تری برخوردارند، امری طبیعی است و نباید موجب نگرانی والدین باشد. بنابراین اولیا نباید انتظار داشته باشند که کودک رام و مطیع باشد و همواره آرام و ساکت در گوشه های در کنار بزرگترها بنشیند.

سلام کردن به کودکان

در عصری که بزرگسالان برای یکدیگر ارزش و احترامی قائل نبوده، حقوق یکدیگر را مراعات نمی کردند، پیامبر (ص)، به رغم این که مقام شامخی داشت، به کودکان سلام می کرد و با آن ها دست می داد و می فرمود: «بچ چیز است که تا پایان زندگی آن ها را ترک نمی کنم، یکی از آن ها سلام کردن به کودکان است و پیوسته این کار

رسول خدا (ص) در سیره تربیتی خویش خاطر نشان کرده است همان طوری که کودک به آب، غذا و هوا احتیاج دارد، به محبت و نوازش هم محتاج است. وی کودکان را می بوسید، در آغوش می گرفت و نوازش می کرد.

را ادامه می دهد تا بعد از من به صورت یک سنت حسنه در جامعه مسلمین باقی بماند.» (حر عاملی، ۱۴۰۳ ه. ق، ج ۳، ص ۲۰۹) پیامبر (ص) با سلام کردن به کودکان دو هدف تربیتی را دنبال می کرد:

۱- صفت تواضع و فروتنی را در شخص سلام کننده تقویت می کرد.

۲- شخصیت کودک را زنده می کرد و به او استقلال می داد. والدینی که به بزرگسالان سلام می کنند ولی از سلام کردن به کودکان دریغ می ورزند، در روش تربیتی خود دچار تناقض شده اند. آن ها از یک سو برای آرام کردن کودک و دعوتش به انجام کارهای خوب می گویند که او بزرگ شده است و دیگر نباید رفتار نادرست انجام دهد؛ از طرف دیگر از سلام کردن به او دریغ می ورزند و کودک را سزاوار سلام کردن نمی دانند. کودک گرچه خردسال است اما تناقض رفتار پدر و مادر را درک می کند و می پندارد که بزرگسالان پیوسته به آن چیزی عمل می کنند که به مصلحت خود بدانند و نه به آن چه واقعاً صلاح است.

دیگر آن که کودک خوب متوجه می شود که سلام نشان دهنده ارتباط، تفاهم و صمیمیت است. دو نفر که به یکدیگر سلام نمی کنند؛ یعنی این که میان ایشان پیوند عاطفی برقرار نیست. همین احساس در اولین برخورد میان کودک و بزرگسالان فاصله می اندازد. (غلامی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۱)

کودکی که بزرگسال به او سلام کند و بدین وسیله به وی احترام می گذارد، لیاقت و شایستگی خود را باور می کند و از همان دوره معتقد می شود که خانواده و جامعه او را انسانی با ارزش می شناسند و بزرگان به او اهمیت می دهند.

به طور معمول فرزندان به پدر و مادر خود سلام می کنند، ولی والدین نباید همواره انتظار داشته باشند که کودکان به آن ها سلام کنند، بلکه باید با پیروی از سیره عملی پیامبر اسلام (ص) به کودکان سلام کنند تا از یک سو خلق پسندیده تواضع را در خود تقویت کنند و از سوی دیگر شخصیت کودکان را زنده ساخته، آنان را افرادی مستقل و متکی به نفس بار آورند.

توقع به قدر توانایی

از مسایل مهم در تربیت کودک این است که والدین او را از افراط و تفریط در فعالیت های زندگی دور بدارند و هیچ گاه وی را به کار و فعالیت زیاد مجبور نسازند، اگرچه خودش هم در این زمینه زیاده روی کند.

پیامبر (ص)، به رغم این که مقام شامخی داشت. به کودکان سلام می‌کرد و با آن‌ها دست می‌داد و می‌فرمود: «پنج چیز است که تا پایان زندگی آن‌ها را ترک نمی‌کنم. یکی از آن‌ها سلام کردن به کودکان است و پیوسته این کار را ادامه می‌دهم تا بعد از من به صورت یک سنت حسنه در جامعه مسلمین باقی بماند.»

است که روش تمرین و تکرار در یادگیری مطالب و مفاهیم تأثیر دارد و برای تقویت و ایجاد رفتاری ثابت و عادت‌ی استوار در کودک باید از مجرای «تکرار» وارد شد.

پیامبر گرامی اسلام - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - بزرگ‌مربی مکتب اسلام، در زمینه آموزش نماز و تکرار آن برای نوه گرامی‌اش، حضرت امام حسین - عَلَيْهِ السَّلَام - چنین رفتاری داشت. نقل شده است که روزی پیامبر (ص) قصد خواندن نماز داشت و امام حسین (ع) در کنار جد بزرگوارش درصدد همراهی با آن حضرت (ص) بود. پیامبر (ص) تکبیر گفت و امام حسین (ع) نتوانست آن را تکرار کند. پیامبر تکبیر دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم را گفت. در نهایت برای هفتمین بار، تکبیر امام حسین (ع) صحیح ادا شد و نماز آغاز گردید. (همان، منبع ج ۴۳، ص ۳۰۷)

این شیوه رفتار پیامبر می‌تواند الگوی خوبی برای والدین و مربیان باشد. آنان باید همانند رسول خدا مراحل رشد کودک را در نظر گرفته، سعی کنند با صبر و حوصله به نیازهای فطری کودکان پاسخ دهند.

هنر بزرگ اولیا و مربیان در این است که دنیای کودک را درک کنند و بدانند برخی از اموری که ممکن است برای بزرگسالان خسته کننده باشد، برای کودکان لذت بخش است. کودک از تکرار مکررات خسته نمی‌شود و ذکر چندباره قصه‌ها و داستان‌ها او را دلزده نمی‌سازد؛ به خصوص اگر بیان این داستان‌ها با صوت خوش و آهنگ مطلوب باشد.

والدین و مربیان باید تلاش‌های کودکان را تعدیل نمایند؛ زیرا نبی مکرم اسلام (ص) فرموده است: «خدای رحمت کند کسی را که در نیکی و نیکوکاری به فرزند خویش کمک کند. یکی از اصحاب سؤال کرد: «یا رسول الله! چگونه فرزند خود را در نیکی و نیکوکاری یاری نمایم؟»

حضرت (ص) در جواب چهار دستور تربیتی بیان فرمودند: - آن چه را کودک در قوه و قدرت داشته و انجام داده است، قبول کنید.

- آن چه را که انجام آن برای کودک طاقت فرسا و سنگین است از او نخواهید.

- آن چه را که انجامش کودک را به طغیان و دروغ‌گویی وادار می‌سازد، از او نخواهید.

- در برابر کودک مرتکب اعمال احمقانه نشوید. (مجلسی، ۱۴۰۴ هـ. ق، ج ۲۳، ص ۱۱۴)

تکرار و استمرار در آموزش مسایل دینی

تکرار و استمرار سبب یادگیری درست، سرعت عمل و کسب مهارت در هر زمینه‌ای می‌شود. تحقیقات نشان داده

فهرست منابع:

- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ هـ. ق): وسائل الشیعه، تهران انتشارات المکتبه الاسلامیه.
- حاجی ده آبادی، محمد علی (۱۳۷۶): پرورش اجتماعی کودک و نوجوان، ماهنامه تربیت، سال ۱۲، شماره ۷، تهران، وزارت آموزش و پرورش.
- سادات، محمد علی (۱۳۷۳): راهنمای پدران و مادران، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- غلامی، یوسف (۱۳۸۱): همواره به کودکان سلام می‌کرد، فصلنامه فرهنگ کوثر، شماره ۵۰، قم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۰): اصول کافی، تهران، انتشارات اسوه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ هـ. ق): بحارالانوار، بیروت، لبنان، مؤسسه الوفاء.